



سطح
متوسطه



خلاصه کتاب (سطح متوسطه)

بخش اول: ایمان؛
ویژگی‌های ایمان (آگاهانه، زاینده، پاینده) و ثمرات آن (نقش آن در زندگی خوب)

الف) سه ویژگی ایمان حقيقی

۱. آگاهانه باشد، نه کورکورانه، مقلدانه و متعصبانه.
۲. زاینده و همراه با تعهدات عملی باشد. یعنی زایش و فایده عملی داشته باشد. نه اينكه در عمل اثري نداشته باشد.
۳. پاینده باشد، یعنی هميشه و همه جايی باشد، نه مقطعي و موسمی و گذرا.

ب) شروط خوشبختی

برای اينكه انسان در زندگی خوشبخت شود، چه خداپرست و دین دار باشد و چه مادی گرا و بی دین، عقلاً ۱۲ شرط لازم هست. (به عنوان مثال: اينكه هدف را بشناسد و راه رسیدن به آن را بداند و يا اينكه اگر خطايي کرد، بتواند جبران کند، نه اينكه غير قابل جبران باشد.)

ج) خوشبختی، ثمرة ایمان حقيقی

این دوازده «شروط خوشبختی»، همان وعده‌هایی است که خداوند در قرآن به مؤمنین داده است. بنابراین هرکسی ایمان حقيقی داشته باشد، یعنی ایمان او دارای آن سه ویژگی که گفتیم باشد، تمام وعده‌های الهی به مؤمنین در قرآن، یعنی همان شروط خوشبختی، شامل حال او می‌شود و در زندگی خوشبخت می‌شود.

بخش دوم: توحید؛

روح توحید (آزادی) و تأثیر آن در زندگی اجتماعی (نفی طبقات اجتماعی) و فردی (وسعت دید، شجاعت)

مقدمه) خشک و بی‌اثر بودن مباحث توحید متکلمین

روشی که متکلمین در بحث توحید دارند، استفاده از بحث‌های فلسفی و استدلالی بی‌اثر و خشک است. مباحث متکلمین درباره توحید، صدها سال به صورت فریبندی از نظر ظاهر و بی‌مغزا نظر باطن، به صورت مجرد و فارغ از ارتباط با دنیای خارج بحث شده است. نباید توحید را به صورت یک پاسخ خشک به یک سؤال علمی و مغزی مطرح کرد. بلکه باید توحید را به صورت مسئله‌ای که دانستن یا ندانستن آن، برای زندگی انسان حیاتی و تعیین‌کننده باشد، مطرح کرد. توحید باید در زندگی اثر داشته باشد، چه در روابط اجتماعی و چه در زمینه حکومت. آنجوری که بیکاران اجتماعی توحید را مطرح می‌کنند، فرق دارد با آنجوری که یک فرد متعهد، توحید را مطرح می‌کند. یک فرد که احساس مسئولیت اجتماعی ندارد، توحید را اینجوری مطرح می‌کند: «آیا خدایی هست یا نیست؟ خُب، حالا هست، چه کار کنیم؟ یا نیست، چه کار کنیم؟» باید دید بودن و نبودن خدا در وضع زندگی و نظام اجتماعی چه تأثیر و تغییری ایجاد می‌کند؟

در ادامه از دو منظر به توحید می‌پردازیم؛ الف) معنای توحید ب) تأثیر توحید در زندگی (اجتماعی، فردی)

الف) معنای توحید

توحید، باور «قدرت مطلقه خدا» است. وقتی باور کردیم خدا قدرت مطلق است و همه قوانین زندگی تابع اراده و قدرت اوست، سلطهٔ غیرخدا را نمی‌پذیریم.

ب) تأثیر توحید در زندگی اجتماعی

روح توحید، نفی بردگی غیرخدا و «آزاد شدن» از قید و بند بندگی غیرخدا است. عدم بندگی غیرخدا یعنی عدم اطاعت و نپذیرفتن سلطه غیرخدا. غیرخدا ممکن است یک قدرت سیاسی یا مذهبی، یک دوست، یک عامل درون انسان (مثلًاً شهوت، حسادت)، یا یک قانون غیرالله باشد.

بنابراین مهم‌ترین تأثیر توحید در زندگی اجتماعی، «نفی طبقات اجتماعی» است. جامعه توحیدی، یک جامعه‌ای طبقه است که گروه‌های انسانی بر حسب حقوق و مزايا از هم جدا نشده‌اند؛ بلکه همه زیر یک سقف حقوقی زندگی می‌کنند. در جامعه توحیدی، همه، متناسب با استعداد و تلاش خودشان می‌توانند به عالی‌ترین مقامات برسند. پول، دانش و مقام سیاسی با تلاش به دست می‌آید و راه تلاش برای همگان باز است. در واقع، توحید به معنای «تدبیر و خلق و آفرینش و اداره جهان را زیک خدا و یک منبع قدرت دانستن»، ضامن نفی طبقات اجتماعی است.

ج) تأثیرات روانی توحید (تأثیر توحید در زندگی فردی)

در اثر توحید:

۱. انسان دارای «وسيع افق دید» می‌شود. موحد از تنگ‌نظری‌ها و کوتاه‌بینی‌ها آسوده است. افق دید و فکر و ذهن انسان موحد محدود و متوقف به نیازهای مادی و پست نمی‌شود، بلکه صدھا نیاز بزرگتر و مهم‌تر انسان را هم می‌بیند. موحد آینده را در مقابل خود بی‌نهایت وسیع می‌بیند. او برای دنیا آخری قائل نیست، زیرا آخر دنیا را متصل به آخرت می‌بیند.

۲. ریشه‌ترس در انسان موحد، یعنی کسی که اعتقاد به قدرت مطلق خدادارد، خشکانده می‌شود. ترس‌ها ریشه‌بدبختی‌ها در زندگی انسان‌ها است؛ ترس و بیم و هراس، دنیا و آخرت را از انسان سلب می‌کند. ترسوها بزرگ‌ترین جنایات را انجام می‌دهند و ترس باعث می‌شود انسان‌ها به جهالت‌ها و حقارت‌ها تن بدھند. مهم‌ترین تأثیر روانی توحید در روح انسان این است که در راه خدا و در راه تکلیف، در راه آنچه که هدف وجود خود تشخیص می‌دهد، از دشمنان این راه نمی‌هراسد. (راه خدا که در بخش‌های بعدی تبیین می‌شود، خوشبختی انسان در اثر آزادی و شکوفایی استعدادهای انسان است).

بخش سوم: نبوت!

فلسفه نبوت، آثار نبوت در حالات درون و پیرامون نبی، اهداف نبوت (انسان‌سازی از طریق حکومت)، معارضین نبوت، نتایج نبوت (بلندمدت و کوتاه‌مدت)، لازمه شهادت به نبوت (تلاش برای آبادانی دنیا)

الف) لزوم پرهیز از مباحث کم فایده متکلمین در باب نبوت

مباحثی که در زمینه نبوت، در نوع کتب کلامی انجام می‌گیرد، مسائلی است که اگرچه در جای خود حرف‌های درست، بلکه حرف‌های لازمی است، اما حرف درست بودن، لزوماً به این معنا نیست که ما در این زمان، در این شرایط، با این نیازها، آن حرف درست را اینجا مطرح کنیم. ما باید ببینیم در میان درست‌ها، کدام لازم است؟ در میان لازم‌ها، کدام لازم‌تر است؟ در میان لازم‌ترها، کدام فوری است؟ در میان فوری‌ها، کدام فوتی و حیاتی است؟ اول آن را بگیریم، از آنکه فراغت پیدا کردیم، بحث‌های بعد. بنابراین ما در بحث نبوت، از بحث‌هایی که معمولاً متکلمین در کتاب‌ها انجام داده‌اند، هیچ کدام‌ش را مطرح نمی‌کنیم، مگر یک مورد در حد یک مقدمه کوتاه، و آن این است که «فلسفه نبوت»، عدم کفایت عقل و غریزه انسان برای هدایت انسان است.

ب) بعثت درونی مقدمه بعثت بیرونی نبی

بعد از دریافت پیام خدا چه حالاتی در پیغمبر و نبی و در جهان پیرامونش به وجود می‌آید؟ سخن درباره رابطه نبوت با بعثت است. «بعثت» به معنای «برانگیختگی» و حرکت بعد از رخوت و سستی و رکود است. و نبی دو برانگیختگی دارد:

۱. «بعثت درونی» و انقلابی در وجود خود پیامبر و سپس در اثر آن:
۲. «بعثت بیرونی» و ایجاد یک رستاخیز عظیم در متن جامعه.

نبی اگر خودش عوض نمی‌شد، نمی‌توانست دنیا را عوض کند. تا حال درونی نبی برانگیخته نشود، نمی‌تواند حال جامعه را تغییر دهد. این درسی است برای پیروان پیغمبر، تا بدانند که تا خودشان عوض نشوند، برانگیخته نشوند، نمی‌توانند دنیا را عوض کنند. پیغمبر، اول آتش به جان خودش زده شد که توانست انسانی درست کند که جانش را از دست بدهد، اما فکرش را از دست ندهد. فایده خبر داشتن از «بعثت درونی انبیا و حالاتشان قبل از بعثت بیرونی» این است که بدانیم اگر نبی خودش عوض نمی‌شد، نمی‌توانست دنیا را عوض کند.

بعد از اینکه دگرگونی در وجود نبی اتفاق افتاد، نوبت آن است که همین تحول و دگرگونی در محیط خارجی و در متن واقعیت اجتماع انجام بگیرد. نام بعثت بیرونی انبیا را می‌توان انقلاب گذاشت. پیغمبر پس از بعثت درونی، وقتی وارد اجتماع می‌شود، جامعه‌ای که در آن تبعیض است را تبدیل به جامعه‌آباد، آزاد و بی‌تبعیض و انسانی می‌کند.

انبیا وقتی در یک جامعه ظهور می‌کنند، مثل یک آدم حکیم فرزانهٔ دانشمندی نیستند که کوهی از معلومات است و در گوشة خانهٔ خودش نشسته تا مردم بیایند و از فیض و دانش او استفاده کنند؛ مثل چنین آدمی نیست. او مثل شعله سوزانی آرام و قرار ندارد، یک نگاهی به وضع اجتماع می‌کند، می‌بیند این ساختمان اجتماع غلط پایه‌گذاری شده است، برخلاف اسلوب معماری فطرت انسان قرار گرفته، این جامعه را از اساس زیر و رو می‌کند. او امتیازات حقوقی که بر مبنای طبقات اجتماعی به افراد خاصی داده می‌شود و همچنین فرصت‌ها و امکاناتی که برای عدهٔ خاصی وجود دارد، همهٔ اینها را در اختیار همگان قرار می‌دهد.

آنچه که او از وضع موجود زمان خود می‌بیند، وضع باطل است؛ یعنی برخلاف فطرت انسان و جهان است و آنچه که او می‌خواهد انجام دهد، وضع حق است؛ یعنی بر طبق فطرت جهانی و انسانی است. حق یعنی هر چیزی که مطابق با فطرت و ساختار وجود انسان و جهان است، و باطل یعنی هر چیزی که برخلاف ساختار واقعی انسان و جهان است. ساختار باطل جامعه، ممکن است قانونی باشد که برخلاف فطرت جهان و سرشت انسان وضع شده است. پس پیغمبرها نظام جاهلی، یعنی «نظام غیرعادلانه، غیرفطری و غیرانسانی جاهلی» را به «نظام الهی در قوارهٔ یک اجتماع توحیدی (دارای طبقهٔ واحد و بدون تبعیض)» تبدیل می‌کنند.

در آن جامعه ساخته و پرداخته انبیا، کسی حق ندارد بگوید مرا مصالح و در درسرهای خودم بس است و به کارهای دیگران نمی‌رسم؛ برای اینکه همه با هم، اعضای یک پیکر و بدن هستند. خطوط اساسی آن جامعه، وجود علم و آگاهی، عدل، طبقهٔ واحد، نفی طبقات اجتماعی، نفی جمع ثروت و استثمار، نفی استبداد و حکومت مطلقه، نفی طرفداری از باطل و نفی الزام و اجبار به طرفداری از حق و حقیقت است.

ج) هدف نبوت

هدف اصلی و اولی پیغمبران الهی، این است که انسان را به خودشکوفایی و بالفعل کردن استعدادها و توانایی‌هایش برسانند. هدف نبوت انسان‌سازی است. اما انبیا برای تحقق این هدف از چه روشی استفاده می‌کنند؟ روش انبیا برای انسان‌سازی، ایجاد حاکمیت بوده است. تربیت فردی، موعظه‌کاری، مدرسه‌بازی و تربیت فردی در شأن انبیا نیست، کار انبیا تربیت فردی نیست؛ بلکه انبیا از طریق تغییر

ساختارهای اجتماعی و ایجاد حاکمیت، محیط مناسب و مساعد را برای تربیت انبوه انسان‌ها آماده می‌کنند.

انبیا در ابتدای دعوت خودشان، مردم را سرگرم نمی‌کردند تا اول از این طریق آنها را جذب کنند؛ بلکه از همان اول، حرف آخر خودشان، یعنی «نفی طبقات اجتماعی، تغییر ساختارهای اجتماعی و ایجاد حکومت» را می‌زدند. معارضین انبیا هم چون از همان اول هدف پیامبر را فهمیدند، با ایشان معارضه و مخالفت کردند. چرا انبیا صراحة لهجه داشتند و از اول هدف اصلی خودشان را می‌گفتند؟ چون مردم باید با بصیرت دین داری کنند. چرا ما طبله‌ها مثل انبیا از توحید شروع نمی‌کنیم، و مثلاً به گفتن جزئیات چگونگی حضور نکیر و منکر در قبر می‌پردازیم؟ انبیا هیچ وقت برای مردم مغلق‌گویی نکردند، هیچ وقت اصطلاحات فیلسوف‌مابانه به مردم تحويل ندادند، فلسفه‌بافی نکردند، صاف و راست و صریح با مردم حرف زدند.

د) گروه‌های معارض

اگر پیغمبری در یک جامعهٔ جاهلی بیاید و هدف خودش را مطرح کند، یعنی بگوید که می‌خواهد طبقات اجتماعی را بزند و نظام اجتماعی مبتنی بر عدالت برقرار کند، چه کسانی با او در این اجتماع مبارزه خواهند کردند؟ اولین کسانی که با پیغمبر مبارزه می‌کنند، همان‌هایی هستند که از اختلاف طبقاتی زنده‌اند. برای اینکه دیگر نمی‌توانند مردم و نیروی آنها را به ناحق در خدمت خودشان بگیرند. «معارضین انبیا» چهار گروه‌اند: ۱. «متوفین» ۲. «طواغیت» ۳. «ملأ» ۴. «احبار و رهبان».

گروه اول متوفین هستند. یعنی ثروت‌اندوزانی که ثروتشان را از راه نامشروع کسب کرده‌اند و خلق و خوی اشرافی‌گری دارند. گروه دوم، طواغیت یعنی حکّام مستبد هستند. زیرا وقتی توحید وارد یک جامعه شد، معنایش نابودی فرعون‌ها است و در رأس این جامعه خدا خواهد بود نه فرعون. گروه سوم، سران و رؤسا هستند که در قرآن از آنها به عنوان «ملأ» یاد شده است. ملادر لغت یعنی کسانی که ظاهرشان چشم انسان را کور می‌کند. کارگزاران حکام مستبد، از وزراتا و کلا. گروه چهارم هم احبار و رهبان هستند. کسانی که با مغزهای مردم سروکار دارند و رسالت اصلی شان آموزش و آگاهی دادن به مردم است. اما برای حفظ موقعیت اجتماعی و بقای ریاست معنوی خودشان، مردم را در جهالت و ناآگاهی نگه می‌دارند (درست برخلاف رسالت اصلی شان). اینها سردمداران مذهب هستند؛ اما مذهب غیرواقعی و خرافی.

فرعون نمونهٔ یک حاکم مستبد، و در کنار او همان به عنوان ملأ و وزیر او، قارون هم به عنوان یک ثروت‌اندوز، هر سه در مقابل حضرت موسی(ع) می‌ایستند و بعد از حضرت موسی(ع) نیز همین احبار و رهبان، معارضین اصلی نبوت او شدند. ولذا مبارزهٔ حضرت عیسی(ع) قبل از اینکه با امپراطور روم باشد، با احبار و رهبان بود.

ه) نتایج تلاش انبیا (کوتاه‌مدت و بلندمدت)

الف) بلندمدت: سلسله انبیا در حرکت کلان خودشان و در یک نگاه دسته جمعی موفق بودند؛ شبیه معلمان اول تا ششم ابتدایی که هر معلم سهم خودش در رشد شاگرد را انجام می‌دهد و معلم سال دوم نیز سهم خودش را انجام می‌دهد و هر کدام او را به یک سال جلو می‌برند. هر چند در همین اثنا، وقتی که او به کلاس بالاتری رسید، معلم جان خودش را سر این کار از دست داده باشد، اما این شاگرد در اثر زحمات این سلسله معلم‌ها پیش رفته و رشد خودش را کرده است. بنابراین به خاطر زحمات انبیا، امروز دنیا بیشتر از هزار سال قبل آماده شنیدن سخن اسلام است و انبیای عظام الهی، اگرچه هر کدام با محرومیت‌ها و ناکامی‌هایی مواجه شده‌اند، اما در مجموع، سیر بشریت به سوی ترقی و تعالی بوده و عاملش انبیا بودند. هر چند کسانی که قدرت نگاه کلان ندارند، ملتft این مطلب بسیار مهم نمی‌شوند.

ب) کوتاه‌مدت: از سوی دیگر برخی از انبیا در کوتاه‌مدت یعنی در زمان خودشان هم موفق بودند. که دلیل آن وجود داشتن این دو شرط است:

۱. «ایمان متعهدانه پیروان»

۲. «صبر و استقامت پیروان».

و) لازمه شهادت به نبوت (تلاش برای آبادانی دنیا)

شهادت به نبوت و رسالت انبیاء، در واقع شهادت به درستی هدف و راه انبیاء است. بنابراین لازمه شهادت به نبوت، تلاش و پذیرش مسئولیت در جهت تحقق اهداف نبی است. پیغمبر در این دنیا چه کار می‌خواست بکند؟ تعهد و رسالت نبی، ساختن دنیا است به شکلی است که اسلام گفته. (یعنی به شکلی که مطابق با ساختار واقعی وجود انسان و جهان باشد و استعدادهای انسان و جهان را شکوفا کند و در خدمت منافع انسان قرار دهد) پیغمبر برای این مبعوث می‌شود تا شکل زندگی و نظام زندگی انسان را به صورتی که خدا می‌گوید درست کند. اگر دیدید که هنوز این اتفاق نیفتاده، تعهد شما براساس شهادتی که به این رسالت پیغمبر می‌دهید، این است که بکوشید تا دنیا را به شکلی که اسلام فرموده در بیاورید. بنابراین «لازمه شهادت به نبوت» نبی، این است که شما در عمل به هدف نبی که «آبادانی زمین» طبق دستور خدا است، کمک کنی و گرنه شهادت قلبی و زبانی به نبوت کافی نیست.

بخش چهارم: ولایت؛

معنا و مراتب ولایت (عرضی، طولی)، و آثار آن در زندگی اجتماعی (شکوفایی استعدادها، قدرت متمرکز برای حفظ پیوستگی و نفی وابستگی)، معنای طاغوت و مهم ترین آسیب ولایت طاغوت (نابودی و استثمار استعدادها)، معنای هجرت (رهاشدن از قید طاغوت و رسیدن به آزادی و شکوفایی)

الف) معنای ولایت و مراتب آن

ولایت در قرآن یعنی:

۱. به هم پیوستگی در هدف، فکر و عمل با «ولایت مداران» و با «ولی» در ارتباطات داخل جامعه اسلامی
 ۲. عدم وابستگی، انفعال و تأثیرپذیری نسبت به جبهه مقابله مکانی، در ارتباطات خارج جامعه اسلامی
- انبیا برای جامعه سازی، نیاز به یک جمع به هم پیوسته دارند. افرادی که در جبهه انبیا هستند، برای از بین نرفتن و هضم نشدن، لازم است هرچه بیشتر به هم دیگر متصل و از جبهه های دیگر جدا باشند و از آنها کناره بگیرند. اگر ولایت نباشد، میان آنها اختلاف به وجود می آید، و از برداشتن بار امانتی که بر دوش آنها است، عاجز خواهند ماند.

ب) آثار آن در زندگی اجتماعی (شکوفایی استعدادها، ایجاد قدرت متمرکز برای حفظ پیوستگی و نفی وابستگی)

«ولی» در جامعه همان «قدرت متمرکز» برای حفظ پیوستگی مؤمنین و نفی وابستگی با کفار است. ولایت در یک جامعه به این است که ولی در آن جامعه مشخص باشد و منشأ و الهام بخش همه نیروها و فعالیت های آن جامعه باشد. ولی در جامعه، حاکم نیز است.

مهم ترین کارکرد ولایت، فراهم کردن «زمینه بروز بالفعل شدن استعدادهای انسانی» است. جامعه دارای ولایت، جامعه ای است که تمام استعدادهای انسانی را رشد می دهد. ولایت همه چیزهایی که خدا برای کمال و تعالی انسان به او داده را بارور می کند. انسانیت را تقویت می کند. در این جامعه، ولی یعنی حاکم، یعنی همان کسی که همه سرنشته ها به او برمی گردد، جامعه را از لحاظ مشی عمومی، در راه خدا و دارای ذکر خدا می کند. از لحاظ ثروت، تقسیم عادلانه ثروت به وجود می آورد. اشاعه نیکی ها و ریشه کن ساختن بدی ها و نابسامانی ها را برنامه اساسی خود می سازد. به صورت خلاصه، انسانیت و پدیده انسان را به هدف و غایت آفرینش خود نزدیک تر می سازد.

ج) معنای طاغوت (هر مانع درونی و بیرونی بازدارنده از خودشکوفایی و بروز استعدادها)، مهم‌ترین آسیب ولایت طاغوت (نابودی و استثمار استعدادها)

از سوی دیگر در قرآن کریم، هر ولایتی غیر از ولایت خدا به عنوان ولایت طاغوت معرفی شده است. طاغوت از مادهٔ طغیان است. طغیان یعنی سرکشی کردن و از محدودهٔ دایرۀ طبیعی و فطری زندگی انسان فراتر رفتن. مثلًاً انسان برای کامل شدن پدید آمده است، هر آنچه که مانع رشد و شکوفایی بشر باشد، طاغوت است. انسان باید دائمًاً در تلاش باشد برای اینکه وجود خود را به ثمر برساند. بنابراین هر عاملی که انسان را به عدم تلاش، به تنبیلی، راحت طلبی، عافیت جویی، تشویق و ترغیب کند، او طاغوت است.

مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی ولایت طاغوت آن است که استعدادها در این جامعه یا خنشی می‌شود یا هدر و نابود می‌شود و یا بدتر، به زیان انسان به کار می‌افتد. و معنای ولایت طاغوت و شیطان، سلط بر استعدادها و نیروها و ابتکارها و سلب آزادی و بی اختیار کردن انسان‌ها است. در ولایت طاغوت، استعدادها در خدمت طاغوت و منافع او (یعنی در جهت زیان انسان و منافعش) قرار می‌گیرد. یعنی در ولایت طاغوت، اگر هم استعدادها شکوفا شود، در خدمت اهداف طاغوت قرار می‌گیرد. شبیه اتفاقی که در عالم اسلام در زمان بنی امیه و بنی عباس افتاد. در این دوران، چقدر عالم اسلام با نشاط حرکت کرده، چه موج عظیمی از معلومات و دانش‌ها در میان جامعهٔ اسلامی آن روز پدید آمده است، اما آیا این همه نشاط و فعالیتی که آن روز انجام گرفته، همه به سود جامعهٔ اسلامی و انسانیت تمام شد؟ چرا آن ثروت علمی و فرهنگی برای مانمانده و ما امروز در دنیا نمی‌درخشیم؟ آیا جز این است که آن همه نشاط و فعالیت، اگرچه فعالیت انسانی بود، اما زیر نگین طاغوت بود؟ اگر به جای این همه فعالیت‌های طبیعی و ریاضی و نجومی و ادبی و فقهی، اجازه می‌دادند که حکومت علوی سرکار بیاید، اجازه می‌دادند امام صادق(ع) سرکار بیاید و نیروها را در اختیار بگیرد، هر چند از لحاظ علمی، ادبی، و این طور مسائل که امروز دنیا به آنها افتخار می‌کند، صد سال هم عقب می‌مانند، باز به سود انسانیت بود؛ اسلام انرژی‌ها و استعدادها را در راه صحیح به کار می‌گرفت.

اگر طب و پیشرفت علمی به نهایت برسد، اما انسان‌ها از لحاظ اخلاقی و اخلاق اجتماعی آنقدر ضعیف باشند که گویا هزاران سال پیش از تاریخ زندگی می‌کنند، چه فایده‌ای دارد؟ عین تمدن کشیف و ننگین دنیای معاصر ما. قدرت‌های بزرگ جهانی به اکتشافات علمی خودشان افتخار می‌کنند، اما از لحاظ انسانی و اخلاقی هزاران سال عقب مانده و پیش از تاریخ هستند.

د) معنای هجرت (رها شدن از قید و بند ولایت طاغوت و رسیدن به محیط آزاد اسلامی)

هجرت یعنی «رها شدن از قید و بند های نظام جاهلی» که استعدادهای انسان را نابود و یا در خدمت اهداف خودش می‌گیرد، و «رسیدن به محیط آزاد اسلامی» که استعدادهای انسان را در جهت منافع خود انسان شکوفا می‌کند. هجرت یکی از دنباله‌های مسئلهٔ ولایت است.

هجرت هم بیرونی ممکن است باشد و هم درونی. محور هجرت، رهایی از ولایت طاغوت (درون/بیرون) و رسیدن به ولایت خدا و ولی خدا (درون/بیرون) است. در صدر اسلام مسلمانان برای رهایی از ولایت طاغوت به حبسه و سپس به مدینه هجرت کردند. هر انسانی در درون خود نیز باید از ولایت هواهای نفسانی و شیطانی که مانع شکوفایی استعدادهای انسان است، رها شود و به سوی ولایت عوامل درونی‌ای که باعث شکوفایی استعدادهای او می‌شود (یعنی عامل درونی «ولایت و به هم پیوستگی قلبی با خدا و اولیائش»)، هجرت و حرکت کند.

چراکه اگر لازم باشد که هر انسانی برای آزادی و شکوفایی خود و جامعه، در ذیل ولایت خدا و ولی خدا زندگی کند و همه نیروها و استعدادها و نشاط فکری و جسمی و روانی او، با ارادهٔ ولی الهی (یعنی والی از طرف خدا) به کار بیفتد، اگر در بخشی از وجود ما، نیرو و نشاط ما تحت فرمان ولایت طاغوت و شیطان باشد، تعهد الهی ما این است که خودمان را از قید و بند این ولایت طاغوت رها کرده و نجات دهیم. پس لزوم هجرت از ولایت طاغوت به ولایت خدا همان است که گفتیم؛ طاغوت استعدادها را در جهت منافع خود نابود یا استخدام می‌کند. یعنی نمی‌توان هم ولایت خدا را در دل داشت، و هم در محیط ولایت طاغوت فکر و زندگی کرد. زندگی در محیط ولایت طاغوت، مانع رشد ایمان و ولایت در دل می‌شود، زیرا او استعدادهای انسان‌ها و جهان را در جهت منافع خودش نابود کرده یا به کار خواهد گرفت.

سطح متوسطه در یک نگاه

بخش اول: ایمان؛

ویژگی‌های ایمان (آگاهانه، زاینده، پایینده) و ثمرات آن (نقش آن در زندگی خوب)

الف) سه ویژگی ایمان حقيقی

ب) شروط خوشبختی

ج) خوشبختی، ثمرة ایمان حقيقی

بخش دوم: توحید؛

روح توحید (آزادی) و تأثیر آن در زندگی اجتماعی (نفی طبقات اجتماعی) و فردی (وسعت دید، شجاعت)

مقدمه) خشک و بی اثر بودن مباحث توحید متکلمین

الف) معنای توحید

ب) تأثیر توحید در زندگی اجتماعی

ج) تأثیرات روانی توحید (تأثیر توحید در زندگی فردی)

بخش سوم: نبوت؛

فلسفه نبوت، آثار آن در حالات درون و پیرامون نبی، اهداف نبوت (انسان‌سازی از طریق حکومت)، معارضین نبوت، نتایج نبوت (بلندمدت و کوتاه‌مدت)، لازمه شهادت به نبوت (تلاش برای آبادانی دنیا)

- الف) لزوم پرهیز از مباحث کم فایده متکلمین در باب نبوت
- ب) بعثت درونی مقدمه بعثت بیرونی نبی
- ج) هدف نبوت
- د) گروه‌های معارض
- ه) نتایج تلاش انبیا (کوتاه‌مدت و بلندمدت)
- و) لازمه شهادت به نبوت (تلاش برای آبادانی دنیا)

بخش چهارم: ولایت؛

معنا، مراتب (عرضی، طولی)، و آثار آن در زندگی اجتماعی (شکوفایی استعدادها، قدرت متمرکز برای حفظ پیوستگی و نفی وابستگی)، معنی طاغوت و مهم‌ترین آسیب ولایت طاغوت (نابودی و استثمار استعدادها)، معنای هجرت (رهاشدن از قید طاغوت و رسیدن به آزادی و شکوفایی)

- الف) معنای ولایت و مراتب آن
- ب) آثار ولایت در زندگی اجتماعی (شکوفایی استعدادها، ایجاد قدرت متمرکز برای حفظ پیوستگی و نفی وابستگی)
- ج) معنای طاغوت (هر مانع درونی و بیرونی بازدارنده از خودشکوفایی و بروز استعدادها)، مهم‌ترین آسیب ولایت طاغوت (نابودی و استثمار استعدادها)
- د) معنای هجرت (رهاشدن از قید و بند ولایت طاغوت و رسیدن به محیط آزاد اسلامی)

فهرست کتاب (سطح متوسطه)

بخش اول: ایمان؛

ویژگی‌ها (آگاهانه، زاینده، پاینده) و ثمرات آن (نقش آن در زندگی خوب)

[جلسه ۱] نشانه‌های ایمان؛ ویژگی‌های مؤمن (۱)

- آیات این جلسه؛ ۱۳۶ تا ۱۳۲ آل عمران
- معنای تقوا و نقش آن در پیروزی
- علت تأکید بر اطاعت از رسول در کنار اطاعت از خدا چیست؟ (أطِيعُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ)
- رحمت خدا در دنیا، مخصوص مطیعین از خدا و رسول است (الْعَلَّمُ تُرْحَمُونَ)
- طلب مغفرت به معنای عذرخواهی نیست! مغفرت یعنی پر کردن خلأهای روحی (سَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ)
- ویژگی‌های متقین:

انفاق؛ هر خرج کردنی انفاق نیست! انفاق کار مردمان هوشمند است (الَّذِينَ يُنِفِقُونَ)

فقط فروبردن خشمی که مبتنی بر عقل باشد، نشانهٔ متقین است (الْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ)

[جلسه ۱۲] نشانه‌های ایمان؛ ویژگی‌های مؤمن (۲)

- آیات این جلسه؛ ۱ تا ۴ انفال
- انفال «مال رسول است» یعنی مدیریت توزیع ثروت‌های عمومی دست اوست (قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَ الرَّسُولِ)
- اصلاح ذات‌البین یعنی بر سر چیزهای جزئی به جان هم نیفتادن (وَ أَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ)
- اطاعت از رسول، نشانه ایمان (أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُثُّمْ مُؤْمِنِينَ)
- پنج خصلت مؤمن:

ترس از خدا ناشی از درک احساس عظمت و شکوه خدا (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ)

از دیاد ایمان؛ ایمان مانند بذری در دل در حال رشد (وَ إِذَا تُلِيتُ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا)

توکل عامل انگیزش و تحرک، نه حالت مخدّر و بیحالی (وَ عَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ)

اقامه نماز به معنی نماز خواندن یا فلانی را نمازخوان کردن نیست؛ بلکه به معنای این است که جامعه دائماً به یاد خدا و در راه خدا باشد (الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ)

انفاق فراتر از انفاق جان و مال است؛ به انفاق فکری هم می‌رسد (وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ)

- تمام شعارهای امروز احزاب سیاسی مثل صلح، آزادی، رفاه و راحتی، در جامعه ایمانی تحقق پذیر است

[جلسه ۱۳] ویژگی‌های ایمان حقیقی: ۱. آگاهانه

- آیات این جلسه: بقره ۲۸۵ و آل عمران ۱۹۰ تا ۱۹۳ و مائدہ ۱۰۴
- فرق رهبران الهی با رهبران سیاسی در «ایمان» به آنچه دعوت می‌کنند است (آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ)
- انواع و اقسام ایمان:

مقلدانه و متعصبانه؛ یعنی ایمانی که متکی بر دلیل نیست بلکه جانبدارانه است

ایمان آگاهانه یعنی ایمان بدون ترس از سرزنش و اشکال‌گیری (الْأُولَى الْأَلَبِ)

• بدون تفکر و هوشمندی، ایمان آگاهانه معنا ندارد (يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ)

- در قرآن، کافران مرتজعان قرن‌ها و عصرها هستند و پیغمبران روشن‌فکران زمان (حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا)

[جلسه ۱۴] ویژگی‌های ایمان حقیقی: ۲. زاینده و همراه با تعهدات عملی

- آیات این جلسه: حج ۷۷ و ۷۸ و انفال ۷۲
- ویژگی‌های ایمان حقیقی ۲. ایمان همراه با تعهدات عملی است و گرنه هوشمندان عرب خیلی خوب می‌فهمیدند پیامبر دروغ نمیگوید (یا *أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا... وَ افْعَلُوا الْخَيْرَ*)
- تئوریزه کردن تبلی و راحت طلبی با نظریه ارزش‌مندی ایمان بدون تلاش
- ایمان در گروکار و فعالیت و انجام نیکی است (یا *أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّكُمْ أَسْجَدُوا وَ اعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَ افْعَلُوا الْخَيْرَ*)
- رابطه ایمان حقیقی و هجرت، هجرت به معنای جابه‌جایی از شهری نیست، بلکه یعنی به یک باره دست شستن از همه چیز به خاطر هدف و پیوستن به جامعه اسلامی (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ هاجَرُوا)

[جلسه ۱۵] ویژگی‌های ایمان حقیقی: ۳. همیشه و همه‌جا

- آیات این جلسه: نور ۵۱ و ۵۲ و ۵۵
- ویژگی‌های ایمان حقیقی ۳. ایمان همیشگی نه مقطوعی و موسمی
- نبوت‌ها با فکر و عقل مردم سروکار دارند (*يُرَكِّبُهُمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ*)
- تطبیق بحث با آیات: ویژگی‌های ایمان حقیقی، همیشگی بودن است نه مقطوعی و موسمی (و إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ مُغَرِّضُونَ)
- ایمان ملازم با کنک خوری مؤمن نیست و مؤمنین از اول عالم همیشه توسری خور نبوده‌اند، مؤمنین پیشین حاکمان زمین بودند (كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ)

[جلسه ۱۶] آثار ایمان حقیقی در رسیدن به یک زندگی خوب

- آیات این جلسه: یونس ۹ و عنکبوت ۶۹ و بقره ۲۵۷ و نساء ۱۷۵
- مروری بر مباحث گذشته (ایمانی واقعی چیست؟) و ادامه بحث (و چه آثاری دارد؟)
- نویدهای ایمان همان شروط خوشبختی است
- شروط خوشبختی: (شناختن هدف، از بین برد موانع، رهایی از دغدغه‌های درونی بازدارنده از هدف، امیدواری، قابلیت بخشش و جبران خطاهای تکیه‌گاه داشتن، نصرت و مدد و استفاده از نیروی ماورای ماده و طبیعت و ...)
- آثار ایمان در قرآن، همان شروط خوشبختی است!

[جلسه ۷] آثار ایمان در قرآن، همان شروط خوشبختی در دنیا!

• آیات این جلسه: رعد ۲۸ و ۲۹

- اطمینان یعنی حالت آرامش روح نه عدم تحرک و تلاش (**الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُ قُلُوبُهُمْ**)
- معنای سکینه (**ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ**)
- رابطهٔ یاد خدا با آرامش؛ یاد خدا جاذبهٔ قوی برای محو کردن جاذبه‌های کوچک (**أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُ الْقُلُوبُ**)

بخش دوم: توحید؛

معنا (آزادی) و تأثیر آن بر زندگی فردی (وسعت دید، شجاعت) و اجتماعی (نفی طبقات اجتماعی)

[جلسه ۸] توحید یعنی همهٔ جهان وابسته به قدرت بالاتر است، و همه، بردگان و بندگان اویند (توحید در جهان‌بینی اسلام)

• آیات این جلسه: بقره ۲۵۵ و مریم ۸۸ تا ۹۴

- شbahat مسئلهٔ توحید با ایمان در سه ویژگی ایمان
- توحید در دو دیدگاه:

توحید در جهان‌بینی اسلام

توحید در ایدئولوژی اسلام

- توحید در جهان‌بینی اسلام یعنی همهٔ چیز بندۀ وابسته به قدرت الهی
- بررسی برخی آیات مرتبط: الله یعنی صاحب اختیار (**اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّهُو**)
- حی بودن خدا یعنی خدا الحظه‌ای از تو غفلت نمی‌کند (**الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سَنَةٌ وَ لَا نَوْمٌ**)
- شفاعت با اذن خدا و در ذیل قدرت خدا تعریف می‌شود (**مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ**)
- فهم کلی از آیت الكرسي این است که در همهٔ منطقهٔ وجود، یک قدرت وجود دارد به نام خدا
- فرزندگرفتن برای خدا یعنی انسان‌ها غیر از اینکه بندۀ خدامی شوند، بندۀ دیگری هم می‌توانند بشوند (**وَ قَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا**)

[جلسه ۹] ضرورت نگاه کارکردگرایانه به توحید، وابستگی جهان و انسان به قدرت برتر و عبودیت برابر همه موجودات در برابر خدا (توحید در ایدئولوژی اسلام)

- آیات این جلسه؛ بقره ۱۶۵
- علت گرایش به مادی‌گرایی، این است که بشر خیال می‌کند مکاتب مادی بهتر می‌تواند دنیا را اداره کند
- اگر دین نتواند گرهی از زندگی مردم باز کند، دین نیست (لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ)
- آدم غیرمعهد و غیرمسئول، توحید را بانفی و اثبات خدا مطرح می‌کند
- توحید باید در نظام اقتصادی تأثیرگذار باشد. معنای اینکه خدا یک است و دو نیست یعنی تمام آنچه ثروت در اختیارداری برای خداست
- بندگی خدا یعنی آزادی از بندگی غیرخدا
- بنده خدا یعنی آزاد و آقا بودن و امکان شکوفایی استعدادها
- مهم‌ترین آسیب بندگی غیرخدا، اگر بندۀ قدرتها بشوی، افق دید تو کوچک و محدود به دنیا می‌شود
- بررسی برخی آیات مرتبط: برده شدن برای مستکبرین در دنیا و بیزاری جستن اربابان مستکبر از بندگان و پیروان خودشان (وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَحَدُّ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا)

[جلسه ۱۰] روح توحید، نفی اطاعت غیرخدا (عبادت و اطاعت انحصاری خدا)

- آیات این جلسه؛ یونس ۳۰ تا ۳۱
- مقایسه بحث توحید با نبوت در قرآن
- توحید عمل زاو زندگی ساز است
- تفاوت جامعه توحیدی با غیرتوحیدی در قوانین و سیستم اجتماعی
- اصل اول توحید؛ عدم عبودیت و اطاعت غیرخدا (الَّمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا السَّيْطَانَ)
- بررسی برخی آیات مرتبط، مبنی بر اینکه قدرت در دست خداست پس باید از او اطاعت و او را عبودیت کرد

[جلسه ۱۱] معنای عبادت، اطاعت از غیرخدا چه در فرمانهای شخصی و چه در قوانین اجتماعی یعنی شرك (روح توحید نفی عبودیت غیرخدا)

- آیات این جلسه؛ انعام ۱۱۴ تا ۱۱۸
- سه ضرورت بحث از توحید: پایه اعتقادی ما است، اصل مهم عمل فردی و اجتماعی ما است و ما اطلاع کمی از موحد بودن به معنای واقعی کلمه داریم
- معنای عبادت؛ عبادت فقط خضوع و ستایش و نیایش مقابل موجودی قدسی نیست؛ بلکه اطاعت از هرکسی به صورت مستقل و بی قيد و شرط نیز عبادت است
- عبادت غیرخدا یعنی پیروی از قوانین و نظامات اجتماعی غیرالله‌ی
- روح و پایه دین، اطاعت انحصاری از خدا
- همه باید به قرآن مراجعه و از آن استفاده کنند
- بررسی برخی آیات مرتبط: خداوند به حکومت و داوری سزاوارتر است (أَفَغَيْرُ اللَّهِ أَبْتَغَى حَكَماً)
- تخلف ناپذیری دین و فرمان خدا (وَتَمَتْ كَلِمَةٌ رِّبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا)
- پیروی از هوا و هوس اکثریت موجب گمراهی است (وَإِنْ تُطِعْ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضْلُلُوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ)
- دلیل بیان مسئله جزئی ذبح بعد از بیان مسائل کلی این است که در نظر پروردگار مسائل کلی با جزئی بشر همه در یک سطح اند (فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ أَسْمُ اللَّهِ)
- ترک گناهان ظاهری و باطنی (وَذَرُوا ظَاهِرَ الْإِثْمِ وَبَاطِنَهُ)
- اطاعت غیرخدا موجب شرك می شود (وَإِنْ أَطْعَنُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ)
- تصویرسازی و توصیف از صحنه‌های قیامت و تأثیر آن در نفوس (وَأَرْلَفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ)

[جلسه ۱۲] مهم‌ترین اثر اجتماعی توحید: نفی طبقات اجتماعی (توحید و نفی طبقات اجتماعی)

- آیات این جلسه؛ مؤمنون ۹۰ تا ۹۱، بقره ۲۱ تا ۲۲، حجرات ۱۳، اسراء ۷۰
- اصل دوم توحید؛ نفی طبقات اجتماعی
- تساوی حقوق در یک جامعه بی طبقه
- ریشه تاریخی اختلاف طبقاتی، این است که انسان دو گونه سرشت دارد؛ یکی پست و دیگری بالا، بنابراین حقوق اجتماعی آن‌ها باید باهم برابر نباشد

- توحید ضامن نفی طبقات اجتماعی
- چگونه توحید، موجب نفی طبقات اجتماعی می‌شود؟
- معنای نفی طبقات اجتماعی در جامعه اسلامی این است که همه برای درس، کار و پول درآوردن امکان مساوی دارند، نه اینکه محتاج پارتی باشد
- بررسی برخی آیات مرتبط: اگر چند خدایی بود، اختلاف در اصل خلقت پدید می‌آمد یعنی اختلاف طبقاتی میان انسان‌ها (إِذَا لَدَّهَبَ كُلُّ إِلَهٖ بِمَا حَلَقَ)

[جلسه ۱۲] تأثیر توحید در زندگی فردی: وسعت دید، شجاعت (تأثیرات روانی توحید)

- آیات این جلسه؛ آل عمران ۱۷۲ تا ۱۷۳
- وسعت دید، اولین تأثیر روانی توحید
- خشک شدن ریشه ترس، دومین تأثیر روانی توحید
- ترس علت تسلیم شدن و مزدور شدن
- بررسی برخی آیات مرتبط

بخش سوم: نبوت؛

فلسفه، اثر آن در حالات درونی و پیرامونی نبی، اهداف (انسان‌سازی از طریق حکومت)، معارضین، نتایج (بلندمدت و کوتاه‌مدت)، لازمه شهادت به نبوت (تلاش برای آبادانی دنیا)

[جلسه ۱۴]: فلسفه نبوت و ارسال رسول؛ عدم کفایت عقل و غریزه برای هدایت بشر

- آیات این جلسه؛ بقره ۲۱۳
- نبوت بالاتر از یکی از اصول دین است، دین بدون نبوت معنا ندارد
- مسائل علم کلام در بحث نبوت، حرف‌های درست اما لزوماً مورد نیاز و اولویت‌دار نیست
- عدم کفایت عقل برای هدایت بشر؛ فلسفه نبوت و ارسال رسول

- نقش نبوت در پرورش عقل و عدم تعارض عقل و دین؛ امروز عقل‌های بزرگ انسانیت، توحید، نبوت و احکام فرعی دین را می‌فهمند
- در خط طولی تاریخ بشر، بشریت به عمق دین بسیار مؤمنتر و معترف‌تر شده است
- بررسی برخی آیات مرتبط

[جلسه ۱۵]: بعثت و برانگیختگی درونی نبی، مقدمهٔ بعثت بیرونی و اجتماعی (بعثت در نبوت)

- آیات این جلسه؛ علق ۱ تا ۸
- دو تحول و بعثت در پیغمبری؛ یکی بعثت درونی نبی و دیگری رستاخیز اجتماعی او
- دو وضعیت متضاد پیغمبران قبل از نبوتشان؛ یکی دارای استعدادها و ظرفیت‌های قوی و عمیق انسانی بودند و دیگر اینکه مثل بقیه زندگی می‌کردند
- بررسی برخی آیات مرتبط
- فایدهٔ دانستن بعثت درونی انبیا و حالاتشان قبل از بعثت بیرونی این است که اگر نبی خودش عوض نمی‌شد، نمی‌توانست دنیا را عوض کند

[جلسه ۱۶]: هدف بعثت انبیا، جامعه‌سازی و در رأس آن نفی طبقات اجتماعی (رستاخیز اجتماعی نبوت)

- آیات این جلسه؛ قصص ۵ تا ۶
- نام رستاخیز اجتماعی انبیا انقلاب است
- انواع ساختارهای اجتماعی؛ یکی اجتماعی با اختلافات طبقاتی و دیگری اجتماعی بدون اختلافات طبقاتی
- نقش انبیا در جامعه سازی، انبیا مثل یک حکیم با کوهی از معلومات نیست که در گوشۀ خانه نشسته، بلکه نبی اول در درون خودش برانگیخته شده و بعد در جامعه تغییر ایجاد می‌کند
- هیچ پیغمبری نیامده برای بیان مسائل فرعی و جزئی زندگی؛ بلکه آمده تا جامعه را از طبقاتی بودن نجات دهد
- حق یعنی قانونی بر طبق فطرت جهانی و انسانی
- جاهلیت یعنی نظام غیرعادلانهٔ غیرفطری غیرانسانی

- بررسی برخی آیات مرتبط

[جلسه ۱۷]: اهداف نبوت؛ انسان‌سازی از طریق ایجاد حکومت

- آیات این جلسه؛ حدید ۲۵
- هدف اصلی انبیا این است که انسان را به خودشکوفایی استعدادها و توانایی‌هایش برسانند
- بزرگترین معجزه نبوت‌ها؛ کشف استعدادها و انسان‌سازی
- فرق مکاتب مادی که به دنبال نفی ظلم و طبقات هستند و مکاتب الهی
- برخی‌ها روایت «بعثت لاتم مکارم الاخلاق» را بهانه برای تبلی‌ها و نارساپی‌ها و عافیت‌طلبی‌ها کرده‌اند
- بررسی برخی آیات مرتبط
- معنای نصرت خدار غیب؛ با داشتن ایمان به غیب و یا در حالی که خدا و رسولش را ندیده آنها را یاری کند (مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ)
- برداشتن غل و زنجیر توسط انبیا یعنی بر هم زدن مقررات دست و پاگیر غلط بشری (يَضْعُ عَنْهُمْ إِضْرَهُمْ وَالْأَعْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ)

[جلسه ۱۸]: انبیا حرف آخر، یعنی «ایجاد حکومت» را، همان اول می‌گفتند (نخستین نغمه‌های نبوت)

- آیات این جلسه؛ نحل ۳۶
- انبیا حرف آخر یعنی «توحید و نفی طبقات اجتماعی» را همان اول می‌زدند
- ابو لهب هم همین مطلب را اول فهمید که پیامبر فقط به یک مسئله اعتقادی دعوت نمی‌کند
- فلسفه اینکه انبیا حرف آخر خودشان را اول می‌زدند این است که دین با آگاهی و بصیرت همراه است و اگر کورکرانه باشد بیفایده است
- چرا از توحید شروع نمی‌کنیم؟
- بررسی برخی آیات مرتبط؛ عبودیت خدا حرف اول پیغمبرها (أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ)
- امت‌ها و کشورهایی که به سخن پیامبر گوش ندادند، در دنیا محکوم به زوال اند (فَإِنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَدِّيْنَ)
- عبودیت خدا حرف مشترک انبیا (یا قَوْمٍ اعْبُدُوا اللَّهَ)

[جلسه ۱۹]: گروه‌های معارض؛ طواغیت، اشراف، خوش‌گذران‌ها، نخبگان مذهبی

- آیات این جلسه؛ انعام ۱۱۲ تا ۱۱۳
- حاکم اسلامی در جامعه اسلامی همان قدر حق دارد و همان حقوقی را دارد که یکی از آحاد رعیت دارد
- انواع طبقات مخالف با انبیا: طاغوت، ملأ، متوفین، احبار و رهبان
- انبیا هیچ وقت مغلق‌گویی نکردند، هیچ وقت اصطلاحات فیلسوف‌ما آبانه به مردم تحويل ندادند
- علت مخالفت احبار و رهبان این است که نمی‌خواهند مردم عالم باشند یا متعلم
- معرفی چهار طبقه مخالف انبیا براساس آیات قرآن / (وبررسی برخی آیات مرتبط)

[جلسه ۲۰]: انبیا از منظر یک فعالیت دسته‌جمعی، موفق بودند (فرجام نبوت [۱])

- آیات این جلسه؛ رعد ۱۷
- روند کلی کار انبیا موفقیت بوده است یا شکست؟
- زحمات انبیا برای رشد بشر و تشبیه انبیا به معلمان
- انبیا در تاریخ همیشه موفق بودند و شکست نخوردند
- منطقی که جباران تاریخ به آن علاقه دارند این است که انبیا موفق نبودند؛ بنابراین هیچ تلاش و فعالیتی به نتیجه نخواهد رسید
- دو شرط مهم برای موفقیت انبیا و پیروان آنان: یکی ایمان و اعتقاد از روی آگاهی و دیگری صبر یعنی مقاومت
- بررسی برخی آیات مرتبط
- نمونه‌هایی از تلاش و استقامات انبیا برای رسیدن به نتیجه

[جلسه ۲۱]: برخی انبیا با دو شرط ایمان و صبر مردم، در زمان خودشان هم موفق شدند (فرجام نبوت [۲])

- آیات این جلسه؛ غافر ۵۱ تا ۵۴
- چرا انبیا در کار جمعی خودشان موفق بودند؟
- اقتضای فتح و پیشرفت و موفقیت در دعوت انبیا هست چون انبیا بر طبق حق سخن می‌گویند
- بررسی برخی آیات مرتبط

[جلسه ۲۲]: لازمه شهادت به نبوت و ایمان به رسول، «پیگیری» اهداف او از جمله آبادانی دنیاست (تعهد «ایمان به نبوت»)

- آیات این جلسه؛ انفال ۷۲
- تصور اینکه ما قبول داریم فلانی پیغمبر است و پذیرش نبوت او در دل و اعلان بر زبان کافی است غلط است
- معنای تعهد «ایمان به نبوت» این است که هر کاری که برای تحقق خواست پیغمبر از دستم برمی‌آید انجام دهم
- بررسی برخی آیات مرتبط

بخش چهارم: ولایت؛

معنا، مراتب (عرضی، طولی)، آثار آن در زندگی اجتماعی (شکوفایی استعدادها) و آسیب ولایت طاغوت (نابودی و استثمار استعدادها)

[جلسه ۲۳]: ولایت یعنی «به هم پیوستگی» با مؤمنین و ولی، و «گستاخی» با جبهه مقابل ولی (ولایت)

- آیات این جلسه؛ ممتحنه ۱
- اتصال ولایت به نبوت در اهداف؛ از انسان‌سازی تا جامعه‌سازی
- در جامعه‌ای که همه چیز از خداست، در همان مسجدی که پیغمبر خدا حاد جاری می‌کرد، اداره کار و اقتصاد پیامبر هم تشکیل می‌شد
- نیاز به تشکیلات برای جامعه‌سازی
- ولایت یعنی به هم پیوستگی و هم‌جبهگی و اتصال شدید یک عده انسان‌دارای فکر واحد و جویای هدف واحد
- برای از بین نرفتن و هضم نشدن در جبهه مقابل، باید هر چه بیشتر افراد جبهه به همدیگر متصل و از جبهه مقابل جدا شوند
- معنای صحیح ولایت، فراتر از محبت و قول به حقانیت اهل بیت است
- بررسی برخی آیات مرتبط

[جلسه ۲۴]: دو جهت ولایت در قرآن؛ حفظ پیوستگی داخلی و نفی وابستگی خارجی، ضرورت ولی و قدرت متمرکز برای حفظ پیوستگی و نفی وابستگی (پیوندهای امت اسلامی)

- آیات این جلسه؛ مائدہ ۵۱ تا ۵۲
- دو رکن اصلی در ولایت قرآن:
- در جبهه داخلی نباید صفاتی گوناگون در داخل این امت تشکیل شود
- در زمینه روابط خارجی، امت اسلامی باید یک ذره هم تحت فرمان و افکار غیرمسلمانان قرار نگیرد
- ضرورت نیاز جامعه به ولی؛ نقطه قدرت متمرکز برای همجهت کردن نیروهای داخلی
- ولایت یعنی ارتباط فکری و عملی مستحکم و نیرومند هریک از آحاد امت اسلام، در همه حال، با آن قلب امت
- بررسی برخی آیات مرتبط

[جلسه ۲۵]: ثمرات اجتماعی و فردی ولایت و معنای ولایت در انسان و جامعه (بهشت ولایت)

- آیات این جلسه؛ حج ۴۱
- ممکن است یک فرد ولایت داشته باشد، اما جامعه دارای ولایت نباشد
- طرح چهار مسئله پیرامون ولایت
- ولایت بدون پیروی فکری و عملی ولایت نیست
- ولایت در جامعه منشأ و الهامبخش همه نیروها، نشاطها و فعالیت‌های آن جامعه است
- آسیب‌های اجتماعی جامعه بدون ولایت
- بررسی برخی آیات مرتبط

[جلسه ۲۶]: حاکم بودن خدا به عنوان ولی واقعی در جامعه، و هر آنکه خدا به نام یا نشانی به ولایت می‌گمارد (در پیرامون ولایت [۱])

- آیات این جلسه؛ نساء ۵۸ تا ۵۹
- حاکم بودن خدا در جامعه اسلامی سلطهٔ تکوینی نیست، قوانین زندگی و روابط فردی و اجتماعی باید از خدا الهام بگیرد

- ویژگی‌های ولی جامعه در قرآن

۱. اقامه صلاة یعنی ولی کاری می‌کند که جامعه پر از ذکر و یاد خدا شود

۲. ایتاء زکات و تقسیم عادلانه ثروت توسط امام

• اولیاً‌لamer کسی است که منشور فرمان را از خدا دریافت کند

بررسی برخی آیات مرتبط

[جلسه ۲۷]: پیامدها و آثار سوء عدم پذیرش ولايت خدا و پذیرش ولايت غير خدا؛ آسیب‌های اجتماعی ولايت طاغوت و شیطان؛ نابودی یا استثمار استعدادها (در پیرامون ولايت [۱۲])

• آیات این جلسه؛ نحل ۹۸ تا ۱۰۰

• هر ولايتی غیر از ولايت خدا ولايت طاغوت است

• مهم‌ترین آسیب ولايت طاغوت این است که تمام نیروها، انرژی و ابتکار و استعداد تو در قبضه طاغوت واقع می‌شود

• بررسی برخی آیات مرتبط

[جلسه ۲۸]: معنای ولايت شیطان، آسیب‌های اجتماعی ولايت طاغوت؛ تسلط بر استعدادها و نیروها و ابتکارها و سلب آزادی و بی اختیار کردن انسان‌ها. هجرت یعنی رها شدن از قید و بندهای نظام جاهلی و رسیدن به محیط آزاد اسلامی (در پیرامون ولايت [۱۳])

• آیات این جلسه؛ نساء ۱۰۰

• هجرت یعنی اگر همه نیروها و نشاط ماتحت فرمان ولايت الهی نبود این وضعیت را تغییر دهیم (و مَنْ يُهَا جِرْفِي سَبِيلِ اللهِ)

• مهم‌ترین اثر شوم ولايت شیطان این است که انسان را بی اختیار و بر تمام نیروها و استعدادهای او تسلط پیدا می‌کند

• کافر فقط آن کسی نیست که می‌گوید خدا نیست

• نقد محاسن دوران طواغیت؛ تمدن کثیف و ننگین دنیای معاصر از لحاظ انسانی و اخلاقی هزاران سال عقب مانده هستند

- بررسی برخی آیات مرتبط: مستضعف یعنی گروهی که در جامعه اختیار جامعه دست آنها نیست